



تحکیم خانواده و راهکارهای تقویت آن

زهرا روحی*

چکیده

ریشه فقر عاطفی و معنوی انسان‌ها که امروزه افراد زیادی با آن درگیرند، نداشتن تفسیری درست از خانواده و نداشتن التزام عملی به وحدانیت خدا و مؤثر بودن او در زندگی است. این امر بر روابط عاطفی اعضای خانواده تأثیر دارد و موجب اضطراب، دلهره، داشتن آرزوهای واهی، حرص و ولع به مسایل مادی و زیرپا گذاشتن ارزش‌های الهی و انسانی شده است.

با توجه به نقش مهم بنیان خانواده در انتقال آموزهای وحیانی و غیر وحیانی، به سلامت این کانون و رشد و بالندگی آن توجه زیادی شده است. بنابراین، افرادی که در نگرش به این بنیان مقدس دچار انحراف شده‌اند، جوامع انسانی را هم به انحطاط کشانده و از رشد و تعالی باز داشته‌اند.

این نوشتار به بررسی آیاتی که درباره تشکیل خانواده بر پایه مهر و محبت، اعتماد، اطمینان، سکون و آرامش و... بیان شده است، می‌پردازد. همچنین تبیین عوامل ثبات و دوام خانواده یا سستی پایه‌های آن، راهکارهای تقویت و تحکیم بنیان خانواده بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و سیره بزرگان دین نیز بیان گردیده است..

کلیدواژه: تحکیم، مودت، خلق، حُسن، اثر، بعل، جهاد زن.

انسان طبق سرشت و فطرت خدای خویش، نیاز به جفت و همدم دارد¹ تا به سکون و آرامش برسد. مکاتب سالم در جوامع بشری، به ویژه مکتب‌های آسمانی و دین مبین اسلام این میل فطری انسان را تأیید نموده‌اند و پیروان خود را به تشکیل خانواده دعوت نموده‌اند. در اسلام هیچ بنیانی باارزش‌تر از ازدواج بنا نهاده نشده و کسی را که از این سنت نبوی روی گردان شود، از خود نمی‌شمارد.²

از اساسی‌ترین مباحث در روند رشد شخصیت و پیشرفت و تعالی انسان به سوی سعادت و فوز ابدی، «خانواده» است. در غرب و در میان افرادی که جهان‌بینی مادی دارند یا در باورهای دینی ضعیف‌اند، پیوند اعضای خانواده بر اصل منافع شخصی و ملاک‌های مادی قرار دارد³ و از این باور، ضربه‌های تلخ و دردناکی را نیز تحمل نموده‌اند.

در اسلام پیوند زناشویی، از نشانه‌های قدرت و حکمت الهی مطرح شده و مودت و رحمت است که کانون خانواده را استواری می‌بخشد. حال بینیم عامل موفقیت خانواده چیست؟ چرا برخی ازدواج‌ها موفق و برخی دیگر ناموفق است؟ تفاوت بین افرادی که سالیان سال در زندگی زناشویی خود کامیاب‌اند، با کسانی که پیوسته با مشکلات روبه‌رو می‌شوند، چیست؟ با آنکه بیشتر زوج‌ها با آرزوهای طلایی، زندگی زناشویی را آغاز می‌کنند، چرا برخی از آنان فقط مدت کوتاهی شادی را تجربه می‌کنند و برخی دیگر، سال‌ها زندگی را با شور و شغف ادامه می‌دهند؟

خانواده؛ تجلی‌گاه مودت و رحمت از دیدگاه قرآن

خانواده، مهم‌ترین نهاد اجتماعی و کوچک‌ترین هسته جامعه است. اساس و رکن خانواده، ازدواج است که از وقایع و مراحل مهم زندگی هر انسان می‌باشد و فرایندی است از تعامل بین زن و مرد که با شرایط و مراسم قانونی، شرعی و عرفی برگزار



می‌شود. این عمل مورد پذیرش شرع، قوانین و تشکیلات اجتماعی است. ازدواج، بسیاری از نیازهای فردی و اجتماعی زن و مرد را با ارتباط‌های جسمی، جنسی، روانی و اجتماعی برآورده می‌سازد.

ارزش‌گذاری خانواده، بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن است و اعضای آن را انجام حقوق متقابل، در کنار یکدیگر نگاه داشته است. اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و دور از خودخواهی ادامه یابد، به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید.

خانواده دارای سه رکن فیزیکی، عاطفی و معنوی است. رکن فیزیکی خانواده را وجود همسران و رکن عاطفی آن را محبت و گذشت تشکیل می‌دهد. ارکان فیزیکی، بدنه و اسکلت خانواده را تشکیل می‌دهند و ارکان عاطفی، روح و جان خانواده‌اند.

اگر خانواده‌ای از دو نعمت محبت و گذشت محروم شود، همانند کالبد بدون روح خواهد بود که هیچ خوشبختی و موفقیتی در این خانواده وجود نخواهد داشت؛ زیرا سعادت و خوشبختی در زندگی خانوادگی سالم و موفق یافت می‌شود؛ جایی که محبت و عاطفه، انسان را از محبت‌های بی‌پایه و سطحی بی‌نیاز می‌کند و با تلاش دو انسان امیدوار و بانشاط، محیطی سرشار از دوستی و احساس مسئولیت فراهم می‌شود.

پیوند مودت و رحمت

خداوند انسان را با اندکی تفاوت ساختمانی و عاطفی، در دو جنس آفرید و آرامش و نیک‌بختی آنان را در پیوستن به هم و ازدواج قرار داد. از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است:

و من آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً

و رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.⁴

و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری در این [نعمت] برای مردی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

قرآن در این آیه، هدف ازدواج را سکون و آرامش دانسته است و با تعبیر پرمعنی «لتسکنوا» نکته‌های بسیاری را بیان کرده است.⁵ این آرامش به این دلیل است که دو جنس، تکمیل‌گر یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش هم می‌باشند؛ به گونه‌ای که هر یک بدون دیگری ناقص است. چنین جاذبه نیرومندی میان دو جنس مکمل دور از انتظار نیست. بر اساس این تعبیر، رابطه و پیوند زن و شوهر، از ابعاد مهم خانواده است. در خانواده نقاط ضعف و قوت شخصیت انسان بدون هیچ ترس و ملاحظه‌ای آشکار می‌شود و امکان درمان مشکلات به صورت طبیعی در آن فراهم است؛ یعنی با نیروی عشق و محبت می‌توان به دشوارترین مقصودها رسید.

زن و شوهر با تعامل دوستانه و همکاری در مسیر شناخت خود و خدای خود، به آرامش می‌رسند و به سوی وادی امن الهی گام بر می‌دارند. خداوندی که انسان را برای زندگی اجتماعی آفریده، این پیوند و رابطه ضروری را نیز در جان او ایجاد کرده است.

تعبیر «سکنی» در آیه، اشاره به این واقعیت دارد که آرامش، مقام و موقعیتی است که انسان باید بدان دست یابد. از دیدگاه قرآن، وظیفه خانواده زمینه‌سازی برای رسیدن به این هدف است؛ برای زن و شوهر یا فرزندان که راه آنان را ادامه می‌دهند.

لفت زن و شوهر و همکاری عاشقانه و محبت‌آمیز آن دو در مسیر کمال، رحمت و مهربانی را برای خانواده و دیگران به بار می‌آورد، پس این الفت، پیوندی سالم است که زمینه مناسب را برای ارتباط مسئولانه و ماندگار فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، فرزندان که نوگامان این مسیرند، از آن الگو گرفته و در روابط آینده با جامعه، سرمشق خود قرار می‌دهند. رفتار والدین بیشتر از نقش محسوس آنان در روابط با فرزندان تأثیر



دارد و نوع تعامل والدین با یکدیگر، سنگ بنای شخصیت روانی فرزندان را می‌نهد. منظور از سازگاری و هماهنگی میان زن و شوهر، تلاش در جهت تعالی و تکامل دوسویه، با وجود تفاوت‌های طبیعی و ذاتی است.

زن و مرد همان‌گونه که تفاوت‌های زیستی با هم دارند، تفاوت‌های مهم روانی نیز دارند. آیات قرآن کریم نیز بدین نکته اشاره دارد:

و اللیل إذا یغشی* و النهار إذا تجلی* و ما خلق الذکر و الأُنثی* إنَّ سعیمکم

لشتی⁶.

سوگند به شب چون پرده افکند* سوگند به روز چون جلوه‌گری آغاز کرد* و [سوگند به] آنکه نور و م‌اده را آفرید* که همانا تلاش شما پراکنده است.

با این حال، شرایط اجتماعی، خانواده و فرهنگ، عوامل مؤثرتری در شخصیت افراد به شمار می‌آید و موجب دوگانگی در رفتار زن و مرد می‌شود.

هدف والای تشکیل خانواده

نخستین هدف از تشکیل خانواده، بقای نسل، تشکیل جامعه سالم و تأمین سلامت روانی افراد است. یکی دیگر از اهداف زندگی خانوادگی، تأمین نیازهای اعضای خانواده در سایه زندگی مشترک است و هر کاری به نسبت مقدار تأثیری که در برآوردن این هدف داشته باشد، ارزشمند خواهد بود. کارهایی که اعضای خانواده برای تأمین این هدف انجام می‌دهند، به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود:

الف) کارهایی که همه اعضای خانواده با انجام آنها به طور یکسان می‌توانند در تأمین این هدف مؤثر باشند.

ب) کارهایی که از همه افراد خانواده ساخته نیست، بلکه به تناسب ویژگی جسمی و روانی، فرد خاصی باید به انجام آن کارها پردازد و انجام آن از توان اعضای دیگر خارج است. بر همین اساس به طور طبیعی نوعی تقسیم کار در میان اعضای خانواده

شکل می‌گیرد.⁷ برای نمونه ایفای نقشی که زن در محیط خانواده دارد، در توان مرد نیست. زن با توجه به ساختار طبیعی و جسمانی‌اش، می‌تواند باردار شود. فقط او پس از وضع حمل می‌تواند کودک خود را با شیر تغذیه کند و با توجه به ویژگی‌های روانی مادرانه او را پرورش دهد که این کارها از مرد، بر نمی‌آید.

از دیگر سو، مرد نیز با توجه به ویژگی‌های جسمانی و روانی خود وظایفی را در مسیر تأمین اهداف خانواده بر عهده دارد که زن قادر به انجام آنها نیست. پس تفاوت کارهای مرد و زن در تأمین اهداف خانواده، به تفاوت ویژگی‌های روحی و جسمی آنان مربوط می‌شود. در نگاهی کلی، زن از نظر احساسات و عواطف قوی‌تر است و مرد در تدبیر و تعقل. در محیط خانواده که هم به تدبیر نیاز دارد و هم به پرورش و تربیت، این تقسیم کار به شکل طبیعی به وجود می‌آید که مرد به اداره خانواده و تأمین نیازهای اقتصادی آن پردازد و زن، پرورش فرزندان را بر عهده گیرد.

راهکارهای تقویت و تحکیم مودت و رحمت در خانواده

هدف اساسی اسلام، تربیت انسان و تأمین سعادت او در ابعاد وجودی و در تمام مراحل زندگی است. پیامبران الهی به ویژه پیامبر اسلام ⁹ برای این هدف مقدس مبعوث شدند و در این راه کوشیدند و در انجام این کار به نیازها، ویژگی‌ها و علایق فطری انسان توجه داشتند. به همین دلیل دستورهای تربیتی و فرهنگ حیات‌بخش معصومین (به صورت دقیق در راستای پرورش فطری انسان‌ها تدوین شده است. اسلام راهکارها و رفتارهایی را برای تحکیم و تقویت مودت در خانواده بیان نموده که برخی از آنها بیان می‌شود:

1. مهرورزی

یکی از راه‌های استحکام بنیان خانواده، توجه به ارتباط کلامی است. سخنان عاطفی با بهره‌گیری از کلمات دلنشین و خطاب‌های شایسته و محبت‌آمیز، مخاطب را جذب



می‌کند و سبب می‌شود از گوینده راضی شده، در دل نسبت به او احساس محبت کند. بی‌تردید مهم‌ترین وظیفه زن و شوهر و به ویژه شوهران، مهرورزی قلبی، زبانی و رفتاری است؛ چرا که کانون خانواده بر اساس حس مهرورزی شکل می‌گیرد. برای رسیدن به آرامش و سکون، تأمین نیازهای غریزی در برابر نیازهای عاطفی، نقشی به مراتب ضعیف‌تر دارد. بهترین شاهد آن، پیوند و دلبستگی ژرف همسران موفق از دوران میان‌سالی به بعد - با وجود فروکش کردن نیازهای غریزی - است. شهید مطهری (در این باره چنین می‌گوید:

آن چیزی که زوجین را به یکدیگر پیوند می‌دهد، منحصرأ شهوت و غریزه نیست و آنچه پایه وحدت زوجین را تشکیل می‌دهد، همان چیزی است که قرآن کریم از آن به مودت و رحمت یاد کرده است.⁸

بر این اساس، تشکیل بنیاد خانواده بر اساس مهر و عشق ورزی است و بقا و ماندگاری آن نیز مرهون استمرار آن است. اگر عشق و مهر پیش از ازدواج، بر اساس ارزش‌های روحی و معنوی شکل گرفته باشد، پس از ازدواج نیز ماندگار است؛ زیرا زیبایی معنوی هرگز پایان‌پذیر نیست. درمقابل، هرچه مهرورزی همسران در آستانه ازدواج، مبتنی بر امور زودگذر مادی، مانند زیبایی‌های ظاهری، ثروت، نسب خانوادگی و موقعیت اجتماعی شکل گرفته باشد، شکننده‌تر خواهد بود. دیر یا زود کاخ زیبایی ظاهری زن یا مرد فرومی‌ریزد و بر چهره باطراوت بهاری آنان، چین و شکن می‌نشیند. ثروت و نسب خانوادگی نیز با فراز و نشیب مستمر روزگار، در هم می‌شکند و چه خوش گفته‌اند: «آنچه نپاید، دلبستگی را نشاید».

در کنار اهتمام به اصل‌گزینش همسر بر اساس ارزش‌ها و زیبایی‌های معنوی (در کنار زیبایی‌های ظاهری) برای حفظ و ماندگاری مهرورزی متقابل همسران، باید این نکته را نیز بدانیم که گفتار و رفتار همسران در برخورد با یکدیگر، در تعمیق یا تضعیف مهرورزی بسیار مؤثر است. زن باید بداند که مرد، او را کانون مهر و عطوفت می‌داند و



به همین دلیل، تمام رازهای مگویی خود را با او در میان می‌گذارد. او آینه وجودش را که گاه در بیرون خانه و در برخورد با تلخی‌ها و درشتی‌ها، تیره می‌شود، با روح لطیف همسرش صیقل می‌دهد. آیا چنین نقش سنگینی، جز با مهرورزی تحقق می‌یابد؟

در برابر، زن نیز مرد خود را بهترین و کامل‌ترین مرد می‌داند، یا دست کم دوست دارد که چنین باشد. زن بخش اصلی هویت خود را در گرو عشقی می‌داند که به خاطر زیبایی‌های ظاهری و باطنی در دل همسرش ایجاد کرده و دوست دارد که در تاریخ‌خانه دل همسرش، جز مهر و عشق به او چیزی یافت نشود. او همواره به عشق و دلدادگی همسرش به خود می‌بالد و همین باور است که هرگز او را به سوی مهرورزی به دیگران نمی‌کشاند. بزرگ‌ترین شکست زندگی زن در این است که احساس کند در قلب همسرش، محبوبیت و جایگاه چندانی ندارد. این زن اگر در پی یافتن راهی معقول و منطقی برای بازگرداندن عشق پیشین همسر خود نباشد، ممکن است در دام عشق‌های دروغین دیگران اسیر گردد. به همین دلیل در روایات تأکید شده که مردان عشق و علاقه خود را به همسرشان اعلام کنند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ أَنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا؛⁹ گفتار مرد به همسرش که «من تو را دوست دارم» هرگز از دل او محو نمی‌شود.» خطاب ملاحظت‌آمیز و دلربا، روح را نوازش می‌دهد و همسر را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

امام سجاده ﷺ درباره ضرورت مهرورزی به همسران چنین می‌فرماید:

حق همسرت آن است که بدانی خداوند - عزوجل - او را مایه سکون و انس تو قرار داده است و بدانی که او نعمت خداوند بر توست. پس او را گرامی بدار و با وی نرمی کن و هر چند حق تو بر او واجب‌تر است، اما حق او بر تو این است که با او مهربانی کنی.¹⁰

ضرورت مهرورزی مردان به زنان و گرامی داشتن آنان، گویای اهمیت و جایگاه مهرورزی در حفظ بنیاد خانواده است.



2. نیازهای عاطفی

پیدایش رابطه عاطفی میان مرد و زن، آن دو را دلسوز و پشتیبان یکدیگر می‌کند. خداوند متعال انسان را به گونه‌ای آفریده که با تأمین نیازها و مصالح یکدیگر، به تدریج رابطه عاطفی میانشان ایجاد شود و رشد کند. نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده، عاطفه و محبت اعضا به یکدیگر است. بنابراین، بهترین عامل برای استحکام و بقای خانواده، برانگیختن عواطف متقابل افراد خانواده نسبت به یکدیگر است. البته این گونه نیست که عواطف، ارزش مطلق دارد و هیچ حد و مرزی برای آن وجود ندارد، بلکه ارزش این عواطف از مصلحت کلی خانواده برمی‌خیزد و ارزش خانواده نیز تابعی از ارزش‌ها و مصالح کلی جامعه است. بنابراین عواطف تا زمانی که در تأمین این مصالح نقش مثبت داشته باشد، ارزش مثبت دارد.

عواطف و احساسات باید در مهار عقل قرار گیرند و به وسیله آن، رهبری شوند. ارزش فعالیت‌های عاطفی تا جایی است که عقل، آن را امضا کند. بیشتر فعالیت‌های عاطفی در محیط خانواده مورد تأیید و تحسین عقل قرار می‌گیرند؛ زیرا تحکیم خانواده و تأمین مصالح کلی جامعه را به دنبال دارد.

افراط در بروز احساسات، سهل‌انگاری در انجام وظایف اجتماعی خانواده را به دنبال دارد. تفریط در عواطف خانوادگی نیز بی‌توجهی، نداشتن احساس مسئولیت و کمبود محبت اعضای خانواده به یکدیگر است که خانواده را متزلزل و استحکام آن را تهدید می‌کند.

در فلسفه اخلاق اسلامی، عاطفه به طور مطلق محور ارزش‌های اخلاقی نیست، بلکه یکی از انگیزه‌هایی است که ارزش آن با عقل تعیین می‌شود. مصالح و ارزش‌های بالاتر از آن نیز وجود دارد.¹¹

3. همدلی و همراهی

برخی، جاهلانه یا مغرضانه، با استناد به قرآن مبنی بر سرپرستی مردان بر زنان،¹² خانواده

قرآنی را مردسالار ترسیم می کنند که فقط نظر و خواسته مرد در آن حاکم است و زن چاره‌ای جز تسلیم و رضا ندارد، در چنین خانواده‌ای از همدلی و همراهی خبری نیست. اینان یا نمی‌دانند که سپردن زمام کار خانواده به مردان بی‌آنکه امتیازی برای آنان باشد، فقط بار مسئولیتشان را سنگین تر می‌کند و یا خود را به تجاهل می‌زنند. سرپرستی مردان به معنای استبدادگرایی و خودمحوری نیست؛ زیرا قرآن با استبداد و تحکم رأی مخالف است^{1:13} پیامبر اسلام 9 گاهی در کارهای شخصی و گاه در امور جاری مسلمانان با همسران خود نیز مشورت می‌نمود؛ چنان‌که در ماجرای صلح حدیبیه چنین کرد.^{1:14}

قرآن پس از اینکه سفارش کرده مادران دو سال به فرزندان شیر دهند، افزوده است که اگر زن و شوهر پس از مشورت، به پایان دادن دوران شیرخوارگی فرزند خود رضایت دهند، می‌توانند آن را قطع کنند: «... فَأَنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا؛ ترجمه؛¹⁵... پس اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت و صوابدید یکدیگر کودک را زودتر از شیر بازگیرند، گناهی بر آن دو نیست...».

از سوی دیگر، مشورت نکردن با همسر جرم نیست و تعقیب قانونی ندارد، بلکه حکمی اخلاقی است و هر دو موظف به رعایت آن¹⁶ این قانون ضرورت همدلی و همراهی همسران با یکدیگر را می‌رساند. خانواده مانند قایقی است که با همراهی اعضای آن، به سوی کمال و هدف نهایی رهسپار است. این قایق هنگامی مسیر خود را به درستی و در زمانی مناسب طی می‌کند که سرنشینان، هماهنگ و در یک جهت پارو بزنند.

یکی از زمینه‌های مهم هماهنگی و همدلی خانواده و به ویژه زن و شوهر، انتخاب نوع غذا است. اگر همسران در غذا و خوراک تفاهم داشته باشند و شرایط همدیگر را مراعات کنند، بسیاری مشکلات و اختلافات حل می‌شود. مرد باید افزون بر تهیه مواد اولیه غذایی که خود و همسرش بدان علاقه دارد، همسر خویش را نیز از این موضوع



آگاه سازد و اگر نوع غذا برای او تفاوتی نمی‌کند - که به طور معمول شوهران مسلمان و متعهد چنین‌اند و در مورد غذا سخت‌گیری و موشکافی نمی‌کنند- از غذای تهیه شده استفاده کند و با متانت و بزرگواری از همسر هنرمند خویش قدردانی و تشکر نماید.

رسول اکرم **9** می‌فرماید: «انسان باایمان، مطابق میل و خواسته عیالش غذا می‌خورد و خانواده انسان منافق، مطابق میل و خواسته وی غذا می‌خورند».¹⁷

4. اظهار علاقه و ابراز محبت

خداوند متعال اصل محبت و علاقه و عشق نسبت به یکدیگر را در قلب زن و شوهر قرار داده و آن را از نشانه‌های وجود خود دانسته است. زوج جوانی که پیمان زناشویی می‌بندند، علاقه درونی و عشق پاکی دارند، ولی آنچه در اسلام تأکید شده که بنیان خانواده را تقویت می‌کند و محبت و الفت را میان زن و شوهر افزایش می‌دهد، اظهار و ابراز علاقه است. در این مورد امام صادق **9** می‌فرماید: «کسی را که دوست می‌داری، به او بگو؛ زیرا این اظهار دوستی، عشق و علاقه شما را نسبت به هم افزون‌تر و مستحکم‌تر می‌کند».¹⁸

به انسان دستور داده شده به همه کسانی که مستحق عشق و محبت و علاقه‌اند، محبت داشته باشد. در حدیث قدسی آمده: «الخلق عیال الله؛ فاحب الناس الی الله من احسن الی عیاله»¹⁹ آفریده‌ها عیال خدا هستند؛ محبوب‌ترین آنها نزد خداوند، کسی است که به خانواده نیکی کند».

زن و مرد باید به اشکال مختلف، مهر و محبت خویش را بیان و آشکار سازند؛ چه با گفتن کلمه‌ای باشد، چه دادن هدیه‌ای. خریدن تنقلاتی جزئی و چیزهایی که همسر، بدان علاقه دارد نیز از شیوه‌های ابراز مهر و محبت است. پیامبر **9** در این باره می‌فرماید: «مردی که برای همسرش لقمه می‌گیرد، نزد خداوند پاداش دارد»²⁰ یعنی این کار نه فقط با افزایش مهر و محبت میان زن و شوهر، بازتاب دنیوی دارد، بلکه شخص در

آخرت نیز از پاداش آن بهره‌مند می‌شود. امام صادق % می‌فرماید: «العبد كلما ازداد للنساء حباً ازداد في الايمان فضلاً»²¹ هر چه محبت همسر در قلب شوهر زیادت‌تر شود، ایمانش زیادت‌تر می‌شود».

یکی از زیاترین جلوه‌های محبت کلامی، سلام کردن زن و مرد به یکدیگر است. طبق آموزه‌های اسلام، سلام کردن با صدای رسا و واضح و با آهنگی عاطفی و جذاب، موجب تقویت روابط بین زن و شوهر خواهد شد. سلام، کینه‌ها را از بین برده، روحیه را تقویت و دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند. امام صادق % می‌فرماید: «وقتی شوهر به خانه وارد می‌شود، باید به اعضای خانواده سلام کند».²²

5. دلجویی، استقبال، بدرقه

خانواده کانون آرامش و آسایش است. مردی که بیرون از منزل با مشکلات بسیاری درگیر است و با ناملايمات فراوانی برخورد می‌کند، دوست دارد هنگام برگشت به خانه، کسی از او دلجویی کند؛ حرف دلش را بشنود و با سخنان آرام‌بخش خود، مرهم دردهای او باشد، هنگامی که در را می‌گشاید، کسی با چهره باز و گشاده، لبی خندان و لحنی عاطفی از او استقبال نماید و آنچه را که در دست دارد، با لبخند از او بگیرد. جز همسری مهربان، رفتار و گفتار چه کسی چنین آرام‌بخش است؟ چنین زنی از دوستان خدا است و پاداش بزرگی خواهد داشت. مردی به محضر رسول خدا ﷺ آمد و گفت:

یا رسول الله، من همسری دارم که هر گاه وارد خانه می‌شوم به استقبال من می‌آید و چون می‌خواهم از منزل بیرون بروم، مرا بدرقه می‌کند. اگر مرا اندوهگین ببیند، می‌گوید: «چه چیزی تو را غمگین کرده؟ اگر برای مخارج زندگی ناراحتی، مطمئن باش که دیگری (خداوند) عهده‌دار آن است و اگر برای آخرت (گرفتاری‌های قبر و قیامت) غصه می‌خوری، خداوند اندوهت را زیاد کند.



رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند (در روی زمین) کارگزارانی دارد و این زن، یکی از آنهاست. برای او نصف پاداش شهید است.²³

6. فراهم نمودن مخارج خانواده

مرد چون مدیر خانواده است، مسئولیت فراهم کردن وسایل و هزینه‌های مورد نیاز اعضای خانواده را بر عهده دارد. مردان با ایمان با انجام وظیفه خویش در کسب روزی حلال و پاکیزه، مقامی رفیع در پیشگاه خداوند خواهند داشت.

امام صادق % فرمود: «مرد تلاشگری که برای تهیه روزی حلال و مشروع برای خانواده‌اش می‌کوشد، مانند مجاهدی است که در راه خدا جهاد می‌کند».²⁴

7. هدیه دادن به همسر

احترام به شخصیت افراد عشق و محبت را در وجود آنان زنده می‌کند. هدیه دادن نیز احترام به طرف مقابل است و کسی که هدیه را می‌گیرد، بی‌اختیار و از روی فطرت خدادادی خویش، مهر و محبت هدیه‌دهنده را در دل خود جای می‌دهد. این نکته در روابط زناشویی اهمیت ویژه‌ای دارد و عامل مهمی در ایجاد انس و الفت و هم‌گرایی زن و مرد است. پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ در این باره می‌فرماید: «هرکس وارد بازار شود و هدیه‌ای بخرد و آن را برای خانواده خود ببرد، همانند کسی است که برای گروهی نیازمند صدقه‌ای برد».²⁵

8. عفو و گذشت

زن و شوهر ممکن است گاهی نسبت به یکدیگر مرتکب خطا و اشتباه شوند؛ اشتباه و خطایی که از هر دو طرف، قابل گذشت است. عفو و گذشت از موارد احسان و به فرموده قرآن، محبوب خدا است.²⁶

عفو و گذشت به اندازه‌ای مهم است که قرآن مجید، اجر عفوکننده را بر خدا می‌داند: «من عفا وأصلح فأجره على الله؛²⁷ کسی که گذشت کند و اصلاح نماید، اجرش بر خداست». از مهم‌ترین نیکی‌ها در حق همسر، گذشت و چشم‌پوشی از خطای اوست.

گذشت مایه انسجام خانواده و کم شدن کینه‌ها و افزایش محبت و آرامش در خانواده است.

رسول خدا ⁹ فرمود: «تجاوزوا عن ذنوب الناس يدفع الله عنكم بذلك عذاب النار»²⁸ از خطاهای مردم گذشت کنید، خداوند به این خاطر عذاب جهنم را از شما دفع می‌کند. امیرمؤمنان ¹⁰ نیز در این مورد فرمود: «قَلَّةُ الْعُفْوِ أَقْبَحُ الْعُيُوبِ وَ التَّسْرِعُ إِلَى الْإِنْتِقَامِ اعْظَمُ الذُّنُوبِ»²⁹ کم‌گذشتی، زشت‌ترین عیب و عجله در انتقام از بزرگ‌ترین گناهان است.

بر اساس روایات و آیات قرآن، عفو، از مکارم دنیا و آخرت، موجب نجات از جهنم و هم‌رنگی با اهل بیت (است و کم‌گذشتی، نشان بیماری و شرارت نفس انسان است. مرد و زن اگر راه عفو و گذشت را در پیش گیرند و برای این حقیقت عرشی مدتی کوتاه تمرین کنند، پس از اندک زمانی به این صفت ملکوتی آراسته می‌شوند.

مراتب عفو و گذشت از نگاه قرآن

مرتبه اول

انسان بدی را ببیند، ولی برای رضای خدا یا انسانیت، از آن بگذرد.³⁰

مرتبه دوم

انسان به اندازه‌ای دارای صفات پسندیده و والا و باارزش باشد که بدی و خطا و عیب و نقص همسرش را نبیند تا اینکه بخواهد عفو و گذشت کند. به این حالت «صفح» می‌گویند. قرآن می‌فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ»³¹ باید عفو و صفح پیشه کنند و از بدی‌ها درگذرند. آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم از شما درگذرد.

انسانی که عفو و صفح خدا را بخواهد و دوست داشته باشد در روز قیامت بدون حساب و کتاب وارد بهشت شود، باید این صفت را داشته باشد. خرده‌گیری، توقع عصمت همه‌جانبه داشتن، بی‌گذشتی و به رخ کشیدن خطا باعث ناگواری زندگی می‌شود.



زن و شوهر وقتی خطا و اشتباهی از هم دیدند، نه فقط خطای او را ببخشند، بلکه در برابر بدی او، خوبی کنند.³² این کار موجب می‌شود افزون بر اینکه با این اخلاق پسندیده، مشمول عفو و رحمت الهی گردد، موجب اصلاح طرف مقابل گردد.

رفتاری جهادی؛ نیکوترین روش همسر داری

امام علی^ع در عبارتی نغز و کوتاه می‌فرماید: «جهاد المرأة حسن التبعل»³³ جهاد زن خوب شوهرداری کردن است». بررسی زندگی بسیاری از خانواده‌های مسلمان نشان می‌دهد که بیشتر اختلاف‌ها و ناهنجاری‌های خانوادگی از درک نکردن این جمله نورانی امیرمؤمنان^ع است.

«بعل» در زبان عربی به معنای «رئیس» و «ربّ النوع» و «بت» و «صنم» است. در آیات قرآن هرگاه این واژه به کار رفته، مراد از آن «شوهر» و «جفت زن» است.³⁴ شوهر و جفت زن را به این دلیل «بعل» گفته‌اند که در حقیقت خدایگان زن و پروردگار اوست و گونه‌ای از مالکیت و سروری دارد. برای اقوام کهن، بیان مفاهیمی چون شوهر، احترام، بزرگی، سیادت و آقایی، مهم بوده است. از این رو، از واژگانی بهره گرفته می‌شد که در حد و اندازه پرستش بوده است. در میان برخی از اقوام، شوهر چنان جایگاه بلندی داشت که در حکم خدایگان و در حد پرستش بوده است. بنابراین، معنا و مفهوم «بعل» به معنای پروردگار خانه و سرور و سالار بوده است.

واژه «حُسن» که در زبان پارسی به معنی «نیکویی» است، در حوزه‌های مختلف، معانی گوناگون دارد. با وجود این گوناگونی معنایی، زیباشناختی در تمامی آنها مشترک می‌باشد. هر چیزی، هر چند خیر و خوب باشد، ممکن است نیکو نباشد. نیک و نیکو چیزی است که ذوق و عاطفه و حس زیبایی را برانگیزد. حُسن خلق که در آیات قرآنی از آن سخن به میان آمده و پیامبر^ص نیز با صفت «عَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»³⁵

تمجید و ستایش شده، به معنای نرم‌خویی، پاکیزه‌گفتار بودن و با روی گشاده و زیبا با دیگران برخورد کردن است.

با این مقدمه «حَسَنُ التَّبَعْلِ» را باید رفتارها و هنجارهای نیک و فراتر از آنها دانست.

پیامبر اسلام ⁹ در بیان ضرورت اعلام آمادگی جنسی زن می‌فرماید:

علیها ان تطیب باطیب طیبه و تلبس احسن ثیابها و تزین باحسن زینتها و

تعرض نفسها علیه غدوه و عیشه و اکثر من ذلک حقوقه علیها.³⁶

بر زن یک وظیفه شرعی است که از خوشبوترین عطرها استفاده کند و

زیباترین لباس‌ها را بپوشد و خود را به نیکوترین وجه بیاراید و بامدادان و

شامگاهان خود را بر شوهر عرضه کند و اعلام آمادگی نماید. این از حقوق

شوهر می‌باشد و حقوق شوهر بیش از این چیزی است که گفته شد.

زن، خود با توجه به شرایط شوهر و علاقمندی وی باید اعلام آمادگی کند تا

شوهر، نیازی به دیگری پیدا نکند و در دام وسوسه‌های شیطانی نیفتد. پیامبر اکرم ⁹

در جای دیگری درباره حقوق شوهر فرمود: «ولا تمنعه نفسها و ان کانت علی ظهر قتب»³⁷

بر زن است که خود را از شوهرش باز ندارد و بگذارد تا وی از او کام بگیرد، حتی اگر بر روی

کوهان شتر باشد».

اگر تمایلات جنسی در خانه و به شکل صحیح و محبت‌آمیز تأمین نشود، به اشکال

نادرست در جامعه ارضا می‌شود و فساد و تباهی اجتماعی را در پی خواهد داشت. امام

باقر ⁹ نیز می‌فرماید: «هر زنی که یک لیوان آب به شوهرش بدهد، از یک سال که روزهایش

را روزه بگیرد و شبهایش را به عبادت سپری کند، برایش بهتر است».³⁸

پروژه‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه

انسان موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند کارهای خود را به تنهایی انجام دهد و نیازمند برقراری ارتباط با دیگران است. برخی از نیازها، انسان را به ایجاد پیوند عاطفی و عملی با جنس مخالف برمی‌انگیزد. اگر جامعه را پیکری زنده و دارای بخش‌های مختلف بدانیم، زن و مرد دو عضو اساسی این پیکرند که هر کدام با ایفای نقش‌های شخصی و مشترک خود، زمینه سلامت و پویایی جامعه را فراهم می‌سازند. پیشرفت اعضای خانواده و جامعه در گرو پیشرفت تمامی اعضای خانواده است.

البته تفاوت نقش‌ها و فعالیت‌ها فقط نشانه تفاوت اهمیت اعضا نیست، بلکه همین تفاوت‌های حکیمانه، ضامن هماهنگی و پویایی مجموعه است و از بروز اختلال در این پیکر واحد جلوگیری می‌کند.

کمال تک‌تک افراد جامعه، در کمال سایر افراد است. راه حل اسلام برای ایجاد جامعه پویا و انسان‌های متکامل، تأکید بر لزوم هماهنگی و مودت دوسویه به ویژه در روابط زن و مرد است.

در فرهنگ اسلامی، ازدواج، پیوندی الهی و سازنده‌ی بهترین نهاد اجتماعی (خانواده) است. پیمان زناشویی، پیمانی فطری و والاتر از ارضای جنسی است که مهم‌ترین هدف آن، به دست آوردن آرامش روانی و سکون قلبی زن و شوهر در سایه برقراری روابط عاطفی و اجتماعی بسیار نزدیک آنها با هم است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «از نشانه‌های خداوند این است که از نوع خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میانتان دوستی و رحمت نهاد».³⁹

نیاز به مهر و محبت و داشتن شریک و همراه در زندگی از مهم‌ترین انگیزه‌های ازدواج است. در میان انسان‌ها، نزدیک‌ترین رابطه عاطفی میان زن و شوهر برقرار است و همین رابطه در کاهش نگرانی‌ها و آشفتگی‌ها نقش اساسی دارد؛ به گونه‌ای

که خانواده، بهترین حامی روانی و عملی در مقابله تنش‌ها است. خداوند انسان را برای رسیدن به مراتب تعالی و کمال آفرید و هر یک از مرد و زن به تنهایی توانایی کامل رسیدن به این درجه را ندارند. پس با ایجاد نیاز متقابل میان آن دو، پیوند متقابل برقرار ساخت تا هر یک، وجود دیگری را برای پیشرفت خویش لازم و ضروری بداند. پیوند عاطفی و محبت‌آمیز میان مرد و زن، پیوندی مقدس است و خانواده، بهترین زمینه‌ساز کمال آن دو است.

اسلام برای پویایی و حفظ بنیان خانواده، مسئولیت اداره اقتصادی خانواده را بر عهده مردان گذاشته است. از سوی دیگر، مهم‌ترین مسئولیت زن و اساسی‌ترین وظیفه‌اش در خانواده، تأمین نیازهای عاطفی و جنسی همسرش می‌باشد که ارزش دشوارترین تکلیف دینی مرد؛ یعنی جهاد را دارد. بنابراین ابراز عشق و محبت به همسر، از وظایف مهم زن است و از زن خواسته شده که در حد توان، رضایت همسر را در زندگی جلب کند. این سفارش را می‌توان از عوامل مؤثر در قوام خانواده و روابط مطلوب زن و شوهر دانست.

رعایت اصول اخلاقی، مهم‌ترین عامل تضمین‌کننده حقوق افراد است. اسلام به زن و شوهر سفارش‌های برابر اخلاقی دارد و در این جنبه، یکی را بر دیگری برتری نداده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پی‌نوشت‌ها

1. شوری: 11؛ فاطر: 11.
2. «ما بنی فی الاسلام بناء أحب إلى الله عزّ وجل، وأعزّ من التزویج» (محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، ج 5، ص 2248، ح 7798).
3. محمدرضا سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، ص 42؛ محمدرضا زیبایی نژاد و محمد تقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص 84.
4. روم: 21
5. رک: اعراف: 189
6. لیل: 1-4
7. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج 3، ص 73.
8. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص 169.
9. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 10، ح 9.
10. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 621.
11. اخلاق در قرآن، ج 3، ص 76.
12. رک: نساء: 34
13. قرآن کریم حضرت عیسی (ع) را به دلیل جبار نبودن ستوده است: رک: مریم: 32
14. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج 2، صص 450 و 451.
15. بقره: 233
16. اخلاق در قرآن، ج 3، ص 81.
17. وسائل الشیعه، ج 15، ص 250.
18. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج 2، ص 644، ح 2.
19. همان، ج 2، ح 6، ص 164.
20. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ص 260، ح 56.
21. وسائل الشیعه، ج 14، ص 11، ح 10.
22. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 76، ص 2.
23. وسائل الشیعه، ج 14، ص 17، ح 14.

24. بحار الانوار، ج 104، ص 72، ح 14.
25. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 5، ص 2271، ح 7911.
26. رک: آل عمران: 134
27. شوری: 40
28. ورام ابن ابی الفوارس، مجموعه ورام، ج 2، ص 119.
29. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم، ح 10692.
30. رک: اعراف: 199
31. نور: 22
32. رک: مؤمنون: 96
33. وسائل الشیعه، ج 14، ص 116، ح 2؛ بحار الانوار، ج 3، ص 252؛ اصول کافی، ج 5، ص 507، ح 6.
34. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج 1، ص 206.
35. قلم: 4
36. وسائل الشیعه، ج 14، ص 112، ح 2.
37. همان، ح 1.
38. همان، ص 123، ح 3.
39. روم: 21



گور

فصل نهم در بحث معاصی و خصال نیکو

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آمدی، عبدالله بن محمد، غرر الحکم، قم، دفتر تبلیغات، 1387.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی، [بی تا].
۳. بخاری محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالکتب العربی، [بی تا].
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، نشر احیاء التراث العربی، 1385 هـ.ق.
۵. زیبایی نژاد، محمدرضا و محمد تقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم، دارالنور، 1381.
۶. سالاری فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، تهران، سمت، 1381.
۷. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، 1375.
۸. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، 1371.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم، انتشارات اسوه، 1372.
۱۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، مکتبه الاسلامیه، 1389 هـ.ق.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، 1383.
۱۲. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1388.
۱۳. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا، 1381.
۱۴. ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، مشهد، آستان قدس رضوی، 1375.